

بررسی فقهی حقوقی تمکین زوجه و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی

حکیمه اسفندیاری^۱، محمد رضا کدخدایی^۲

چکیده

تمکین زوجه، بعدی از ابعاد روابط خانوادگی است که اهمیت زیادی دارد. بررسی فقهی و حقوقی تمکین زوجه نشان می‌دهد که تمکین دو جنبه عام و خاص دارد که زوجه در برابر حقوقی مانند نفقه و تأمین مخارج زندگی خود در مقابل زوج، تکالیفی برعهده دارد. حق استمتاع و بهره‌وری جنسی زوج، تمکین خاص و خروج از منزل، تمکین عام است. هدف از نوشتن پژوهش حاضر آشنایی با ابعاد فقهی و حقوقی تمکین زوجه، رسیدن به کمال زوجین و اعضای آن و در نهایت جامعه است. نوشتار حاضر با استفاده از ادله فقهی، قرآن و روایات و... حقوق تمکین زوجه و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی را با روش توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای بررسی می‌کند. از پژوهش حاضر به دست آمد که فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است. تمکین زوجه، تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی، لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: تمکین، سبک زندگی اسلامی، سرپرستی، خانواده، فقه و

حقوق.

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه خانواده، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Hakima.esfandyari@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران / مدیر گروه مطالعات جنسیت و خانواده

مؤسسه شناخت، قم، ایران.

Email: mohammadkadhodaee@yahoo.com

۱. مقدمه

نهاد خانواده یکی از مهمترین نهادهای نظام اجتماعی است. به همین دلیل، اسلام برای هر یک از اعضای آن، وظایف و حقوقی تعیین کرده است. حقوق زوجین که پایه و اساس خانواده هستند باهم یکسان نیستند. منشأ و راز این تفاوت‌ها وضع طبیعی زن و شوهر و خصایص جسمانی و روانی آنهاست. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «آفرینش انسان چنان بوده که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن مکمل یکدیگرند و هر یک به تنهایی ناقص و نیازمند دیگری‌اند. این نیاز موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و سکونت و آرامش یابند. وی این امر را از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت می‌داند که ساختمان جامعه بشری بر آن استوار و موجب پیدایی تعاون و همکاری میان افراد می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۸۵/۴). حق شوهر بر زن، جایگاه ویژه و خاصی دارد. بسیاری از مفسران بر این باور هستند که یکی از امور مترتب بر قوامیت مرد، اطاعت افراد خانواده از جمله زنان از مرد است.

صاحب تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجة» (بقره: ۲۲۸) می‌فرماید: «چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت به یک سو نشده و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند و یکی از احکام چنین اجتماعی این است که تمامی افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر و مساوی باشند و در نتیجه احکامی که علیه آنهاست برابر باشد با احکامی که به نفع ایشان است، البته این تساوی را باید با حفظ وزنی که افراد در اجتماع دارند رعایت کرد. آن فردی که تأثیر در کمال و رشد اجتماع در شئون مختلف حیات اجتماع دارد باید با فردی که آن مقدار تأثیر را ندارد فرق داشته باشد. برای مثال باید برای شخصی که حاکم بر اجتماع است حکومتش محفوظ شود و برای عالم، علمش و برای جاهل جهلش و برای کارگر نیرومند، نیرومندی‌اش و برای ضعیف، ضعفش در نظر گرفته شود. آن‌گاه تساوی را در بین آنها اعمال کرد و حق هر صاحب حقی را به او داد و اسلام بنا بر همین اساس، احکام له و علیه زن را جعل کرده، آنچه از احکام که له و به نفع اوست با آنچه که علیه و برضد اوست

مساوی ساخته و درعین حال، وزنی را هم که زن در زندگی اجتماعی دارد و تأثیری که در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد در نظر گرفته است و معتقد است که مردان در این زندگی زناشویی یک درجه عالی بر زنان برتری دارند و منظور از درجه، همان برتری و منزلت است. از اینجا روشن می‌شود که جمله «و للرجال علیهن درجه» قیدی است که متمم جمله سابق است و با جمله قبلی روی هم یک معنا را نتیجه می‌دهد و آن این است که «خدای تعالی میان زنان مطلقه با مردانشان رعایت مساوات را کرده است. درجه و منزلتی را هم که مردان بر زنان دارند منظور داشته است، پس آن مقدار که له زنان حکم کرده است همان مقدار علیه آنان حکم کرده نه بیشتر». (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۴۹/۲)

تمکین مهمترین دلیلی است که در باب سرپرستی خانواده و لزوم اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی بدان تمسک می‌شود. آدمی همواره با ازدواج به روابط جنسی خود نظم و نظام بخشیده و از هرج و مرج جنسی جلوگیری کرده است. جامعه‌شناسان، تنظیم رفتارهای جنسی را یکی از کارکردهای خانواده می‌دانند. (بستان، ۱۳۹۰) تاکنون تحقیق‌های متعددی در مورد لزوم تمکین زوجه از زوج شده است، ولی هیچ تحقیقی، تأثیر آن را در سبک زندگی اسلامی بررسی نکرده است. پژوهش حاضر ابتدا مفاهیم مهم و سپس لزوم تمکین زوجه در فقه و حقوق در کتاب، سنت و اجماع اثبات و بررسی می‌شود. سپس برخی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و تأثیر این اطاعت‌پذیری در این مؤلفه‌ها بررسی شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تمکین

تمکین در لغت از مصدر فعل مکن می‌کن تمکین و به معنای قدرت سلطنت دادن، فرمانبری و تن در دادن است. (جرجانی، ۱۴۰۳، ۹۲/۱؛ حسینی زبیدی، بی تا، ۱۹۱/۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۱۲/۳) در قرآن آمده است: «و نمکن لهم فی الأرض؛ و ایشان را در سرزمین مستقر گردانیدیم و سلطه و حکومتشان دادیم» (قصص: ۶). مراد از تمکین در اصطلاح این است که زن برای استمتاع، خود

را در اختیار شوهر قرار دهد و استمتاع شوهر از خود را جز در موارد وجود مانع عقلی یا شرعی محدود به زمان یا مکان و یا کیفیت خاصی نکند (نجفی، ۱۴۱۷، ۳۱/۳۰۳). چنانچه زن تن در دادن به عمل زناشویی را به زمان و مکان دیگری موکول کند تمکین حاصل نخواهد شد (طوسی، ۱۳۸۷، ۲/۱۴۲).

۳. ادله لزوم تمکین زوجه در فقه

تمکین زوجه از امور مسلم نزد پیروان دین اسلام است. چه بسا برخی بر این باور هستند که از ضروری دین و فقه است.

۳-۱. کتاب

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض...؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند از نظر نظام اجتماع برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند و در غیاب همسر خود، اسرار و حقوق او را درمقابل حقوقی که خدا برای آنها قرار داده است، حفظ می‌کنند و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید و اگر مؤثر واقع نشد در بستر از آنها دوری نمایید و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود آنها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید». (نساء: ۳۴)

در این آیه بعد از بیان حقوق و تکالیف همسران نسبت به یکدیگر درمقابل عدم اطاعت زوجه و عصیان او راهکار و مجازات شرعی در نظر گرفته شده است. اگر تمکین، تکلیف و واجب نبود به طور قطع، چنین مجازات و ضمانت اجراهایی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد. (صابونی، ۱۴۰۰، ۱/۴۶۳)

«نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی سئتم و قدموا لأنفسکم؛ زنان شما محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید». (بقره: ۲۲۳)

این آیه بر لزوم تمکین زوجه از زوج دلالت دارد. ظاهر آیه بیانگر حقوق زوجین نسبت به حق تمتعات جنسی است. این آیه دال و لزوم تمکین زوجه از زوج است؛ زیرا آیه در مقام تجویز هرگونه استمتاع متعارف و معقول زوج از زوجه است. برخی از مفسران می‌گویند: «اگر کلمه انی زمانیه باشد (زیدان، ۱۴۱۹) توسعه در آمیزش جنسی با زنان برداشت می‌شود که شامل تمام ساعات شبانه روز است؛ یعنی هر ساعتی آمیزش جنسی مجاز است و اگر مکانیه باشد منظور توسعه در مکان و کیفیت آمیزش است» (مقدس اردبیلی، بی تا؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۵۸۹/۱). فقها براساس این آیه، تمکین را با عدم مانع عقلی و شرعی بر زن واجب می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۷/۳۱). از نظر فقهی، زوجه باید از زوج در امور جنسی تمکین کند. استمتاع، حق زوج است به همین دلیل، زوجه مکلف است براساس خواسته زوج برای استمتاع، تمکین کند (حلی، بی تا، ۴۰/۲). این حکم از نظر زمانی و مکانی مطلق، بلکه عام است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۱/۲). باتوجه به اینکه هدف برقراری عقد نکاح، استمتاع جنسی است برخی از فقها نیز آن را نه تنها یک حق، بلکه یک حق با تمام ویژگی‌هایش می‌دانند که شامل قابلیت مطالبه و الزام اسقاط است و حتی نسبت به اینکه ذی حق، مرد باشد یا زن، تفاوت قائل نشده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۱/۶؛ طوسی، ۱۳۸۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۴۵/۸).

۳-۲. سنت

در مورد بحث لزوم تمکین زوجه دو نمونه روایات مطرح شده است. اول، روایت‌هایی که در ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره آمده است؛ دوم، روایت‌هایی که مضمون آنها بر لزوم تمکین زوجه دلالت دارد.

۳-۲-۱. روایت‌های ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره

در تفسیر این آیه روایت‌های ذیل آمده است که برخی «أنی شئتم» را به آمیزش از فرج اختصاص می‌دهند مانند «عن زرارۃ عن أبی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن قول الله تعالى نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم أنى شئتم قال: من قبل؛ زرارۃ گوید: از امام علیه السلام در مورد آیه «نساؤکم حرث لکم فأتوا

حرثکم اُنی شئتم» سؤال کردم. حضرت پاسخ داد: منظور، آمیزش از طریق فرج است». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۹/۱۰۱) روایتی از امام رضا علیه السلام نیز به این مضمون دلالت دارد که منظور آمیزش از فرج است. معمر بن خلاد می‌گوید: امام رضا علیه السلام از من پرسید: «أی شیء یقولون فی إتیان النساء فی أعجازهن؟ قلت: إنه بلغنی أن أهل المدینة لا یرون به بأسا. فقال: إن الیهود کانت تقول إذا أتی الرجل المرأة فی خلفها خرج الولد أحول فأنزل الله عزوجل نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم اُنی شئتم من خلف أو قدام خلافا لقول الیهود و لم یعن فی أدبارهن؛ آنها (مردم) در مورد آمیزش با زنان از نشیمنگاهشان چه حکم می‌کنند. به حضرت پاسخ دادم: به من خبر رسیده که مردم مدینه اشکالی در آن نمی‌بینند. حضرت فرمود: یهود قائل بودند که اگر مرد با همسر خود از پشت آمیزش کند فرزند آنها لوچ می‌شود، پس خداوند آیه «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم اُنی شئتم» را نازل کرد؛ یعنی برخلاف نظر یهود می‌توانید چه از پشت یعنی، مقاربت از فرج، اما طوری که مرد، پشت زن باشد و چه از جلو با زنان آمیزش کنید و معنای آن، دبر (پشت) نیست» (شیخ عاملی، ۱۴۱۶، ۱۴۱/۲۰).

روایت‌هایی که «اُنی شئتم» را به نزدیکی از فرج اختصاص نمی‌دهد. عبدالله بن ابویعفور می‌گوید از امام صادق علیه السلام: «عن إتیان النساء فی أعجازهن. قال: لا بأس به، ثم تلا هذه الآیة نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم اُنی شئتم قال: حیث شاء؛ درباره دخول در مقعد زنان پرسیدم، فرمود: اشکالی ندارد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم اُنی شئتم» فرمود: هر جا خواست» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۴۷/۲۰). گفته می‌شود عبارت «اُنی» در زمان و مکان استعمال می‌شود و در این آیه، مطلق آمده است. بنابراین، به مردان حق هرگونه بهره‌وری از زن را می‌دهد. مردان در هر زمان و مکانی، هر نوع استمتاعی را می‌توانند از همسر خود داشته باشند (حلی، ۱۴۱۰، ۶۰۷/۲). برخی روایت‌ها که در تفسیر آیه وارد شده است نیز این اطلاق را تأیید می‌کند (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۰۲/۱۴).

اول، آیه در مقام رفع حظر است؛ یعنی وقتی ممنوعیت ایام حیض مرتفع شد استمتاع در هر زمان و مکان یا به هر شکل، ممنوع نیست، اما آیه در صدد اثبات این است که تمام انواع استمتاع در هر زمان و مکانی حق مرد است یا تکلیف زن نیست. به تعبیر دیگر، اطلاق آیه برای جواز و رفع حظر است نه برای اثبات حق یا تکلیف. به قدر متیقن یعنی باید به نزدیکی از فرج اکتفا کرد (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱)؛ دوم، آیه در صدد بیان این است که زنان برای بقای نسل مانند حرث هستند و بقای نوع، تقیید زمانی یا مکانی بر نمی دارد. بنابراین، در صدد اثبات حق استمتاع برای مرد به صورت مطلق نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲/۲۱۲)؛ سوم، ظهور «انی» در زمان است و نسبت به مکان یا امور دیگر ظهوری ندارد تا بتوان از آن استفاده اطلاق کرد (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱)؛ چهارم، روایت‌هایی که در ذیل آیه ۲۲۳ سوره بقره آمده‌اند همه مرسل (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱) و معارض یکدیگر هستند. بنابراین، نمی توان در تفسیر آیه به آنها استناد کرد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۴/۱۰۲).

۳-۲-۲. روایت‌های با مضمون لزوم تمکین زوجه

- محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام: «ما حق الزوج علی المرأه فقال: ولا تمنعه نفسها وان كانت علی ظهر قتب؛ یکی از حقوق شوهر بر زن آن است که خود را از او دریغ مدارد ولو بر پشت ناچه باشد».

- امام صادق علیه السلام فرمود: «اتت امرأه الی رسول الله فقالت: ما حق الزوج علی المرأه؟ قال: ان تجیبه الی حاجته وان كانت علی قتب ولا تعطی شیئا الا باذنه فان فعلت فعلیها الوزر و له الاجر و لا تبیت لیله و هو علیها ساخط قالت یا رسول الله وان کان ظالما؟ قال: نعم؛ زنی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پرسید حق شوهر چیست، فرمود: او را اجابت کند ولو بر پشت شتر باشد. مالی را بدون اذن او نبخشد، اگر چنین کند ثواب آن به شوهر رسد و عقابش بر زن است و اینکه شبی را به صبح نرساند در حالی که شوهر از او ناخشنود است. زن گفت: اگر چه شوهر ظالم است، فرمود: بلی».

(حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۰/۱۵۸)

- عن ابی جعفر علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله للنساء: لا تطولن صلاتک لتتمنعن ازواجک؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نمازتان را طولانی نکنید که شوهرانتان را از (خود) منع کنید». (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۱۲/۱۴، ۱۱۷، ۱۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۸۰۸)

- عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «ان امرأه انت رسول الله صلی الله علیه و آله لبعض الحاجه فقال لها لعلک من المسوفات قالت وما المسوفات یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: المرأه التي يدعوها زوجها لبعض الحاجه فلا تزال تسوفه حتى ینعس زوجها فینام فتلك التي لاتزال الملائکه تلعنها حتى یستیقظ زوجها؛ زنی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و تقاضایی داشت. حضرت فرمود: نکند تو از (مسوفات) هستی، گفت: آنها کیانند، فرمود: زنی که شوهرش او را برای نیازی می خواند و او شوهر را سر می گرداند تا خوابش برد. این زن را فرشتگان لعنت می کنند تا زمانی که بیدار شود». (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۰/۱۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۸۰۸)

در میان این روایات، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد اگرچه بسیاری از آنها با موازین رجالی منطبق نیست و اعتبار رجالی ندارد و به ویژه آنها که دلالت روشن تری دارد از نظر سند با مشکل مواجه است. مثل حدیث دوم که ابن ابی حمزه مشکل دارد. سخن با فرض صحت به دلالت آنها اختصاص داده می شود. در این روایت ها اطلاقی دیده نمی شود. بدین معنا که شوهر هرگاه از زن خواهشی داشت او باید اجابت کند. به گونه ای که اگر زن از نظر جسمی، روحی و روانی آمادگی ندارد باز هم بر او واجب باشد اجابت خواسته شوهر کند، بلکه این روایات به زن توصیه می کند از روی عناد و لجاجت به شوهر جواب نفی ندهد. شواهدی بر این مطلب در این احادیث وجود دارد که عبارتند از:

- در برخی از این احادیث کلمه منع به کار رفته است مثل حدیث اول و سوم. ظهور این کلمه آن است که بدون هیچ عذر و بهانه پاسخ منفی دهد. اگر زن هیچ عذری ندارد و تنها از روی عناد و لجاجت شوهر را باز می دارد این منع است.

- تعبیر طولانی کردن نماز در حدیث سوم یا مسوفه بودن در حدیث چهارم نیز دلالت دارد که زن بدون دلیل می خواهد از خواسته شوهر شانه خالی کند.

برخی از فقها تصریح کرده‌اند که در ادله، اطلاق نیست. نصوصی که بر وجوب اطاعت زن از شوهر در امور جنسی دلالت دارد خالی از اجمال نیست؛ زیرا به ضرورت نمی‌توان در هر کار از جمله استمتاع، به آن احادیث تمسک جست. روایاتی که زن را لعه مرد یا ریحانه مرد معرفی می‌کنند نیز اطلاقی ندارد که هر استمتاعی را بگوید. همین‌طور است روایاتی که دلالت دارد زن باید خواسته شوهر را اجابت کند «ولو كانت علی ظهر قتب» (حکیم، بی‌تا، ۶۴/۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۴، ۸۰۸/۲). برخی از احادیث، بهانه تراشی زن و مرد را در استمتاع ناروا می‌داند و از آن بازمی‌دارد (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۳۷/۱۴).

۳-۳. اجماع

سومین دلیلی که می‌توان بدان تمسک کرد اجماع است. اینکه تمکین زن از حقوق شوهر و بر زن واجب است امری مسلم است و در آن دعوی اجماع نیز شده است. صاحب جواهر مدعی اجماع شده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱) حد و مرز این تمکین مورد اجماع نیست. به تعبیر دیگر، ادعای اجماع بر اینکه تمکین به طور مطلق بر زن واجب است آن گونه که در کلام شهید ثانی آمده، بی‌اساس است (عاملی، ۱۴۱۳، ۵۸۴/۱؛ عاملی، بی‌تا، ۱۲۲/۲). دعوی اجماع بر چنین اطلاقی بی‌وجه است؛ زیرا با وجود روایات قبل، اجماع مدرکی است و فقهای که چنین دعوی داشته باشند بر آن احادیث تکیه کرده‌اند. همچنین مسئله با این گستردگی در کلام فقهای متقدم مطرح نشده است تا بتوان از توافق آرا به اجماع دست یافت. برخی فقها به صراحت یا تلویح، مخالف چنین اطلاقی هستند و با وجود مخالفت آنها نمی‌توان مدعی اجماع شد همانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳/۶).

صاحب جواهر نیز برخی از آنچه را فقها در قالب تمکین کامل پذیرفته‌اند بی‌دلیل خوانده و نمی‌پذیرد. ایشان وجوب ابراز لفظی را بدون دلیل می‌داند و تمکین را بر آن متوقف نمی‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۷/۳۱) اجماع نقل شده، نسبت به مترتب بودن نفقه بر تمکین است نه بر وجوب تمکین و تعیین حد و مرز آن. عبارت جواهر در نقل اجماع چنین است: «انما الکلام فی

الشرط و قدر النفقه و اللواحق و اما الشرط المتفق عليه فائنان، الاول ان يكون العقد دائما فلا نفقه لذات العقد المنقطع اجماعا بقسميه كما عرفته فيما تقدم و الثاني التمكين الكامل و هو التخليه بينها و بينه على وجه به يتحقق عدم نشوزها الذي لا خلاف في اعتباره في وجوب الانفاق بل الاجماع بقسميه عليه» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰۳).

سخن در شروط، اندازه و ملحقات نفقه است. شرایط مورد اتفاق عبارتند از: الف) عقد دائم باشد. براین اساس، در عقد موقت نفقه نیست و اجماع دلالت دارد. ب) تمکین کامل؛ یعنی زن میان خود و شوهر حائلی نگذارد، آن حیلولتی که سبب نشوز است. این نیز شرطی است اجمالی. دو مطلب دیگر در مورد این ادله درخور درنگ و تأمل است: الف) اگر اطلاق ظاهری ادله گذشته تام باشد به طور قطع از بسیاری موارد انصراف دارد. ب) بر فرض اطلاق، مواردی که موجب ایذا شود و با ادله حرمت ایذا مؤمن و مسلم باشد باید تخصیص بخورد و نمی‌تواند قائل به تعمیم و شمول ادله شود. نتیجه آنکه این ادله حد و مرز حق مرد یا زن را در استمتاع بیان نمی‌کند و تنها اصل آن را می‌توان از ادله استنتاج کرد؛ یعنی اطلاق در آن نیست و نمی‌توان موارد مشکوک را با آن روشن کرد.

۳-۴. گستره و محدوده تمکین

بنابر حکم شرعی تمکین، زن برای استمتاع (لذت جویی) باید خود را در اختیار شوهر قرار دهد مگر مانعی وجود داشته باشد. (نجفی ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰۳) وجود موانعی مانند حیض، احرام، اعتکاف واجب، روزه واجب (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۲/۳۱۴)، سفری که با اذن شوهر است یا سفر واجب مانند سفر برای حج واجب (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۲/۳۱۴)، بیماری مقاربتی شوهر (خویی، ۱۳۸۳، ۱/۵۴۷)، بیماری زوجه که مانع نزدیکی باشد (نجفی، ۱۴۱۷، ۳۰/۱۶۷). به جز موانع شرعی تمکین زوجه در شریعت اسلامی اصل حق استمتاع مرد و زن، مسلم شده، اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نشده است. نتیجه بررسی ادله این است: «باید گفت دین آن را به عرف واگذار

کرده است و آیه شریفه: «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفتار کنید» (نساء: ۱۹) نیز بر این امر دلالت دارد. بنابراین، ملاک و معیار عرف، هر زمان است» (ابراهیمی، ۱۴۰۲).

یکی از حقوق دانان معتقد است: «در مورد تمکین خاص نیز عرف و اخلاق، داوری نهایی را برعهده دارد. لزوم تمکین به این معنی نیست که احساس زن به حساب نیاید. دادرسی درباره روابط عاطفی و انسانی دقیق‌تر از آن است که در قاعده و اصل بگنجد. زن در روابط زناشویی ماشین بهره‌برداری نیست. انسان است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضا دارد. بنابراین، در این داوری نیز معیار تمکین به معنایی که حقوق و اخلاق مقرر داشته است صبغه نوعی و شخصی را با هم دارد». (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۲۸/۱) این عرف را قانون‌گذار می‌تواند به صورت قوانین اجرایی لازم‌الرعایه درآورد تا ضمانت اجرا نیز داشته باشد.

۴. تمکین زوجه در حقوق

در قانون، اشاره صریحی به تمکین نشده است و حقوق دانان آن را از مضمون برخی مواد قانونی استنباط کرده‌اند. در متون قانونی تنها یک بار در ماده ۴ قانون حمایت خانواده در قالب یکی از شئون صلاحیت رسیدگی دادگاه خانواده به واژه تمکین اشاره شده است، ولی چندین ماده در قانون مدنی وجود دارد که با وجود عدم استفاده از واژه تمکین، اشاره محتوایی به این موضوع دارند. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در راستای اشاره به معنای تمکین خاص مقرر دارد: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند مشروط بر اینکه مهرحال باشد و این امتناع، مسقط حق نفقه نخواهد بود». افزون بر این، مواد دیگری نیز در قانون مدنی وجود دارد که وظایف مطرح شده در آنها از مصادیق تمکین عام محسوب می‌شود مانند ماده ۱۱۰۳ در مورد تکلیف زوجین به حسن معاشرت، ماده ۱۱۰۴ در مورد وظیفه زن و شوهر برای تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد و ماده ۱۱۱۴ و ۱۰۰۵ در مورد تکلیف زن به سکونت و اقامت در منزل و اقامتگاه شوهر. در تشخیص مصادیق تمکین و عدم تمکین و موارد وجوب اطاعت زن از شوهر، تلقی اجتماعی و عرف، ملاک و معیار محسوب می‌شود (شیروی، ۱۳۹۵؛ خدایاری‌نژاد،

۱۳۹۰؛ موسوی بجنوردی و میرزایی، ۱۳۹۷)؛ زیرا فهم کتاب و سنت مبتنی بر فهم متناسب با عرف است (خمینی، ۱۴۲۱، ۷۵/۴).

۵. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

۵-۱. دینی و اعتقادی

از بین همه ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی دارد و این امر را مقدس شمرده است. شهید مطهری با بیان اهمیت دادن اسلام به ازدواج و تبیین قوانین اسلام با توجه به نیازهای اسلام در عصر حاضر بیان می‌کند که «اسلام اسرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی دارای آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر باشد. در این امور زن یا مردی که کوتاهی کند مورد سرزنش و نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است» (مطهری، ۱۳۷۲). تمکین زوجه از زوج در اسلام از نظر فقهی واجب بوده و جایگاه ویژه‌ای دارد که باعث استحکام بنیان خانواده و ترویج سبک زندگی اسلامی می‌شود.

۵-۱-۱. خداباوری و خدامحوری

اطاعت از شوهر و خودداری از نافرمانی او به‌ویژه در تمکین امور جنسی و در اموری که مخالف دستورات خداوند نباشد از وظایف اولیه زن است. آیه شریفه: «لا یعصینک فی معروف؛ زنان از فرمان تو در آنچه معروف است، سرپیچی نکنند» (ممتحنه: ۱۲) بر اطاعت زن از شوهر دلالت دارد. روایت ذیل در تفسیر این آیه آمده است که از موارد بیعت پیامبر ﷺ با زنان، نافرمانی نکردن از اطاعت همسران است. سعدان بن مسلم می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «أتدری کیف بايع رسول الله ﷺ النساء ولا تعصين بعولتك في معروف أقررتن قلن نعم فأخرج يده من التور ثم قال لهن اغمسن أيديكن ففعلن؛ می‌دانی رسول خدا ﷺ با زنان چگونه بیعت کرد. گفتم: خداوند عزوجل و فرزند رسول خدا ﷺ بهتر می‌دانند. فرمود: آنها را اطراف خود جمع کرد، سپس ظرفی را که در آن وضو می‌گرفت، طلب کرد و امر کرد که در آن آب ریختند و دستش را در آن فرو برد. سپس فرمود: گوش فرادهید، ای زنان! با شما بیعت می‌کنم که به خداوند شرک نوزید، دزدی نکنید، زنا

نکنید، فرزندانان را نکشید، بچه‌های حرام‌زاده پیش دست و پای خودتان را با بهتان و حيله به شوهر نبندید، از همسرانتان در کار نیک نافرمانی نکنید. آیا می‌پذیرید، گفتند: آری! پس دستش را از ظرف درآورد و به آنان گفت: دستتان را در این ظرف آب بزنید، آنان هم چنان کردند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۲۶).

روایت بالا نشان از آن است که بیعت با رسول خدا ﷺ که از خداپاوری نشأت می‌گیرد شرطش نافرمانی نکردن از همسر در کار نیک است. در روایتی از پیامبر ﷺ به این مضمون رسیده است که: «جهاد المرأة حسن التبعل» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۰۶). تبعل به معنی پیروی از شوهر است. بنابراین، روایت بر مطلوبیت اطاعت از شوهر دلالت دارد و جهاد زن می‌داند. این اطاعت شامل اطاعت‌پذیری در امور جنسی زوجه نیز می‌شود که هر زنی که این اطاعت‌پذیری را برای خداوند انجام دهد به مقام قرب الهی می‌رسد.

۵-۱-۲. اعتقاد به زندگی پس از مرگ

تمکین زوجه باعث رسیدن به درجات بالای بهشتی می‌شود: «ادخلوا الجنة أنتم وأزواجکم تحبرون؛ به آنها خطاب می‌شود شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید» (زخرف: ۷۰)؛ «یطاف علیهم بصحاف من ذهب وأكواب و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین وأنتم فیها خالدون؛ این درحالی است که ظرف‌های غذا و جام‌های طلایی شراب طهور را گرداگرد آنها می‌گردانند و در آن بهشت آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند» (زخرف: ۷۱)؛ «و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون؛ این بهشتی است که شما وارث آن می‌شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید» (زخرف: ۷۲). اعتقاد به زندگی اخروی و توجه به این نعمت‌ها افراد را برمی‌انگیزد که رفتار خود را به سمت کسب این نعمت‌ها سوق دهند.

۵-۱-۳. ولایت‌پذیری

در سبک زندگی اسلامی، جامعه و رای دانش و بینش فردی و جمعی، نوعی مدیریت و سرپرستی الهی دارد. این مدیریت برخلاف مدیریت معمول و رایج بشری، علاوه بر مسئولیت ایجاد نظم سیاسی-اجتماعی و تأمین امنیت و معاش مادی، مسئول تربیت نفوس، هدایت معنوی و معاد نیز هست و همه انسان‌ها باید براساس رهنمود ولایت عمل کنند: «إنما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة ویؤتون الزکاة وهم راکعون؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند. همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند» (مائده: ۵۵). شأن نزول آیه، حضرت علی علیه السلام و مقصود، ولایت آن حضرت است (علامه امینی، ۱۳۸۷، ۵۲/۲). در این سبک، انسان خود را همگام با چنین ولایت و ملتزم به خواست و امر آن می‌داند به هر نسبت که قبول ولایت و امامت به شایستگی انجام پذیرد حیات، شادابی، حرکت، پویایی و مقاومت زوجین در زندگی بیشتر می‌شود. حال اگر زوجه در زندگی زناشویی و در زمینه جنسی اطاعت‌پذیری داشته باشد ولایت امامان و پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفته است. مهمترین آیه‌ای که به آن استناد می‌شود «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) است.

۵-۲. اجتماعی

۵-۲-۱. جلوگیری از انحراف

کانون اصیل ارضای نیاز جنسی در اسلام، کانون خانواده‌هاست و راهکارهایی مانند ازدواج موقت تنها راهکارهای موقتی و مانند قرص مسکن هستند که برای فروکش کردن طغیان این غریزه جعل شده‌اند. اگر این نیاز جنسی که برخاسته از غریزه‌ای سرکش است به شکل کامل در محیط خانواده و با زناشویی برآورده شود زن و مرد آرام می‌شوند، نوعی مصونیت برای فرد و اجتماع پدید می‌آورد، این نیاز به شکل روابط نامشروع به فضای بیرون از خانواده کشیده نمی‌شود و فضای اخلاقی جامعه را آلوده و ناامن نمی‌کند. یکی از ابعاد اخلاقی روابط جنسی همسران این است که از گناه و فساد در روی زمین پیشگیری می‌کند. با ارضای غریزه جنسی در کانون گرم و صمیمی خانواده، این غریزه آرام می‌شود و دیگر سرکشی نمی‌کند و بسیاری از کارهای خلاف اخلاقی را

انجام نمی‌دهد. این حقیقتی است که عقل، تجربه و وجدان آن را تصدیق می‌کند و در روایات نورانی اهل بیت علیهم‌السلام هم به شکل‌های گوناگون به آن اشاره یا تصریح شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «من تزوج أحرز نصف دینه . و فی حدیث آخر: فلیتق الله فی النصف الآخر أو الباقی؛ هرکه ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است و در حدیث دیگر آمده است: «پس باید در نیمه دیگر از خدا پروا کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۸/۵).

۵-۳. اخلاقی

۵-۳-۱. احترام به اعضای خانواده

یکی از اصول مهم سعادت خانواده، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی است. در آموزه‌های دینی سفارش شده است که هر یک از مرد و زن باید به دیگری احترام بگذارد. خداوند در قرآن کریم توصیه می‌کند که با همسران خود رفتار شایسته‌ای داشته باشید: «عاشروهن بالمعروف؛ با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید» (نساء: ۱۹). زن باید شوهرش را تکریم کند، با او خوش‌رفتار باشد تا خوشبختی خود، همسر و فرزندان را تضمین کند. امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی وجوب اکرام شوهر از سوی همسرش و احترام گذاشتن به او می‌فرماید: «ملعونۃ ملعونۃ امرأۃ تؤذی زوجها و تغمه و سعیدۃ سعیدۃ امرأۃ تکرّم زوجها و لا تؤذیه و تطیعه فی جمیع أحواله؛ از رحمت خدا به‌دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش نماید و سعادت‌مند است زنی که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و او را در همه‌حال اطاعت کند» (کراجکی، بی‌تا، ۱۴۴/۱) اطاعت زوجه در مسائل جنسی نیز یکی از مصادیق احترام به همسر است. اگر احترام به همسر رعایت نشود امیدی به سعادت و خوشبختی زندگی نیست و زمینه بروز اختلافات هموار می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

براساس ادله قرآن و سنت در اسلام لزوم تمکین زوجه پذیرفته شده است. فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است. در بررسی فقهی ادله لزوم تمکین زوجه،

حد و مرز حق مرد یا زن در استمتاع بیان نشده و تنها اصل آن را می‌توان از ادله استنتاج کرد؛ یعنی اطلاقی در آن نیست و نمی‌توان موارد مشکوک را با آن روشن کرد. در بحث گستره و محدوده تمکین غیر از موانع شرعی تمکین زوجه آمده است که در شریعت اسلامی، اصل حق استمتاع مرد و زن مسلم شده، اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نشده است. نتیجه بررسی ادله این است که دین آن را به عرف واگذار کرده است. آیه «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفتار کنید» (نساء: ۱۹) نیز بر این امر دلالت دارد. از بین همه ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی دارد و این امر را مقدس شمرده است. در نتیجه، اطاعت‌پذیری زوجه در مسائل جنسی، تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی و درنهایت به لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین منتهی می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (بی‌تا). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. بی‌نا: بی‌جا.
۱. ابراهیمی، بی‌بی رحیمه (۱۴۰۲). گستره تمکین خاص زوجه و مقدمات آن در تنوع عرف‌ها از منظر فقه امامیه. نشریه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱(۶)، ۱۴۰-۱۲۳.
 ۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۰). تفسیر القرآن العظیم. مکه: دارالطیبه.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر، دارصادر.
 ۴. بستان نجفی، حسین (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سمت.
 ۵. جرجانی، علی بن محمد (۱۳۰۴). التعریفات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۶. حرعاملی (۱۴۱۶). وسائل الشیعه. قم: آل‌البيت.
 ۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس. کویت: دارالهدایه.
 ۸. حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر (بی‌تا). تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه. بی‌جا: بی‌نا.
 ۹. حلی، محمد بن منصور بن احمد ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۱۰. خدایاری نژاد، طاهره (۱۳۹۰). تمکین خاص و آثار حقوقی آن. نشریه تحقیقات زنان، ۵(۲)، ۱-۱۴.
 ۱۱. خراسانی، آخوند شیخ محمد کاظم (بی‌تا). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
 ۱۳. زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۹). الوجیز فی اصول الفقه. تهران: احسان.
 ۱۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵). حقوق خانواده: ازدواج، طلاق، فرزندان. تهران: سمت.
 ۱۵. صابونی، محمد علی (۱۴۰۰). روائع البیان تفسیر آیات الاحکام. دمشق: مکتبه الغزالی.
 ۱۶. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۴). العروة الوثقی مع التعليقات. قم: اسماعیلیان.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، (بی تا). جامع البیان. بی جا: بی نا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: چاپخانه حیدری.
۲۱. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۲. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (بی تا). روضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. بی جا: بی تا.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر. بی جا: منشورات دارالرضی.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق خانواده. تهران: بی نا.
۲۵. کراچی، شیخ محمد بن علی (بی تا). کتالفوائد. بیروت: دارالاضواء.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: انتشارات اسلامیة.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۸. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع السلام فی مسائل حلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۹. مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۱). اصلاحات الاصول و معظم ابجائها. قم: نشر الیهادی.
۳۰. مصطفوی، حسن (بی تا). التحقیق فی کلمات القرآن. بی جا: بی نا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). تعلیم و تربیت از نظر اسلام. قم: انتشارات صدرا.
۳۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن. تهران: المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد، و محمد علی میرزایی، طاهره (۱۳۹۷). تأثیر زمان و مکان بر نشوز زوجة و ضمانت اجرایی آن باتکیه بر آرای امام خمینی رحمته الله علیه. نشریه متین، ۷۹ (۲۰)، ۱-۲۵.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). کتاب النکاح. قم: مدرسه دارالعلم.
۳۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.